



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر بار حسابداری شرکت‌ها

سید صدرالدین صدرائی

کارشناسی علمی کاربردی حسابداری

چکیده

هدف تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر بار حسابداری شرکت‌ها است. روش توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است، ابتدا با جستجو در پایگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی و استنادی مانند پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، SID، مگ ایران می‌باشد در بین منابع مختلف با توجه به موضوع انتخابی و تحقیقات انجام شده است. در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده، نوع داده‌ها و نحوه اجراء هم به روش کتابخانه‌ای است. روش در تحقیقاتی که ماهیت کتابخانه‌ای دارند تقریباً تمام تلاش محقق در کتابخانه‌ها صورت می‌پذیرد. حتی در تالیفات و تصنیفات نیز از این روش استفاده می‌شود. گام اول در مهارت تحقیق کتابخانه‌ای آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است برای اینکار محقق باید از روش‌های کتابداری نحوه استفاده از برگه‌دان و ثبت مشخصات کتاب، نحوه جستجوی کتاب در کتابخانه و رایانه و ... اطلاع حاصل نماید. اسناد عمده در مطالعات کتابخانه‌ای عبارتند از: کتاب؛ مقاله‌ها و مجله‌ها؛ سایت‌ها، دیسک‌های رایانه؛ اسناد اصل؛ اسناد دولتی؛ نشریه‌های رسمی دولتی-اسناد شخصی و خصوصی؛ مطبوعات؛ آمار نامه‌ها. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق فیش‌برداری از منابع بود. بدین صورت که بعد از مآخذشناسی و گردآوری منابع مطالب موردنیاز استخراج و در فیش ثبت شد. روش تجربه و تحلیل و بررسی اطلاعات به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست‌های اقتصادی، حسابداری شرکت‌ها



-مقدمه

بار مالیاتی و تعلق واقعی دولت

بار مالیاتی عبارتست از آخرین نقطه ی برخورد و قرارگاه مالیات موضوعه. منظور از تعلق واقعی مالیات این است که نهایتاً و واقعاً پرداخت کننده ی اصل مالیات چه کسی است. در واقع ممکن است از یک قشر خاص مالیات اخذ شود ولی پرداخت کننده ی مالیات شخص دیگری باشد.^۱

در ادبیات نظری دو مفهوم بارمالیاتی و بار اقتصادی مالیات مطرح شده است. بار مالیاتی که اثر اقتصادی سیاستهای مالیاتی را بر روی شرکت نمایش می دهد ان بخش از درآمد مشمول مالیات شرکت است که به عنوان مالیات به دولت پرداخت می شود. این در حالیست که بار اقتصادی مالیات علاوه بر آن که اثر اقتصادی مستقیم سیاستهای مالیاتی دولت را در برمیگیرد شامل آثار اقتصادی دیگر فعالیتهای ناکارآمدی است که در واکنش به سیاستهای مالیاتی دولت از سوی شرکتها انجام می پذیرد (اثنی عشری و نورمحمدی، ۱۳۹۷).

تعریف ضرایب مالیاتی

ضرایب مالیاتی عبارت است از ارقام مشخص به صورت درصد که حاصل آنها در قرینه مالیاتی در موارد تشخیص علی الراس در آمد مشمول مالیات ماخذ اعمال نرخ مالیات قرار می گیرد.

چگونگی تعیین سهم هرکس از مالیات

یکی از اصول وضع مالیات قدرت پرداخت افراد است یعنی کسانی که از در آمد و ثروت بیشتری برخوردار هستند باید مالیات بیشتری بپردازند و زیرا این افراد از خدمات و امکانات و مواهب جامعه بیشتر استفاده میکنند و در آمد و ثروتی را که کسب میکنند مدیون امکانات و خدمات اجتماعی است که دولت ارائه می کند (پژویان، ۱۳۹۵).

هدف از وصول مالیات

هر دولتی برای اداره جامعه نیازمند امکانات مالی است تا بتواند وظایفی را که از جانب مردم به عهده گرفته به نحو مطلوبی انجام دهد عمده ترین وظایف عبارتند از :

^۱ - انتقال بار مالیاتی (Tax Shifting) از یکی به دیگری و ممکن است به ماقبل یا به ما بعد صورت بگیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- ۱- حفظ استقلال از تمامیت کشور از طریق تامین وسایل و تجهیزات دفاعی
- ۲- ایجاد توسعه راه‌های ارتباطی و وسایل حمل و نقل
- ۳- تامین بهداشت، آب، برق، مخابرات و سایر وسایل ارتباط جمعی برا عموم
- ۴- تامین آموزش در همه سطح
- ۵- تامین قوه قضاییه برای حل و فصل دعاوی و استمرار امنیت اجتماعی
- ۶- تامین خود کفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی

درآمدهای مالیاتی و تقسیم بندی های موجود

مالیات در واقع انتقال بخشی از درآمدهای جامعه به دولت و یا بخشی از سود فعالیت های اقتصادی است که نصیب دولت می گردد، زیرا ابزار و امکانات دست یابی به درآمد و سودها را دولت فراهم ساخته است.

درآمدهای مالیاتی از نظر مأخذ و منبع مالیات به سه دسته تقسیم می شوند:

الف) مالیات بر درآمد^۲

ب) مالیات بر دارایی^۳

پ) مالیات بر کالاهای مصرفی^۴

که در هر سه مورد، یعنی چه از نظر مالیات بر درآمد، چه از نظر مالیات بر دارایی و چه از نظر مالیات بر مخارج مصرفی، یا مالیات بر صادرات یا مالیاتی که فی نفسه به فعالیت های بازرگانی مرتبط می شوند، حجم درآمد ملی است که عامل پرداخت های مالیاتی تلقی می شود و از طریق آن انواع مالیات وصول می گردد. برای تعیین مأخذ و مبنای مالیاتی لازم است ابتدا از طریق گردش درآمد ملی، انواع جریان های دخل و خرج جامعه مورد بررسی قرار گیرد. سیستم مالیاتی در هر یک از این جریان ها سهمی برداشت می کند. در جریان های مخارج جامعه، چه بصورت مخارج مصرف و چه به صورت مخارج سرمایه گذاری، مأخذی در اختیار سیستم مالیاتی از نظر انواع مالیات بر خرج قرار می دهند. در جریان های درآمد نیز که به شکل جریان های هزینه، عناصر تشکیل دهنده تولید توصیف شده اند، سیستم مالیاتی به نوبه ی خود از انواع درآمد برداشت می کند (حسنی و شفیعی، ۱۳۹۴).

الف) مالیات بر درآمد

^۲ Income Tax

^۳ Property Tax

^۴ Tax on Commodities



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مالیاتی است که از ثروت در حال تشکیل، دریافت می گردد. یعنی از ثروتی که به وسیله کار یا سرمایه مودی ایجاد می شود. برای رعایت عدالت مالیاتی در مورد مالیات بر درآمد باید منشأ آن مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال بین درآمد ناشی از کار و سرمایه می بایستی در میزان مالیات تفاوتی منظور شود. مالیات بر درآمد را به دو ترتیب می تان وصول کرد. یکی وقتی که درآمد تحصیل می گردد و دیگری هنگامی که درآمد مورد استفاده قرار گرفته و خرج می شود. مالیات بر درآمد به معنی حقیقی مربوط به نوع اول است، یعنی مالیاتی که در موقع تحصیل درآمد و قبل از اینکه شخص درآمد خود را مصرف و خرج کند دریافت می شود و مودی مالیاتی موظف است در طول سال یا آخر سال، مالیات درآمدی را که در آن سال تحصیل نموده است مستقیماً به خزانه دولت بپردازد. که به صورت مودی می توان اینگونه به آنها اشاره نمود:

۱- مالیات بر درآمد اجاره املاک

۲- مالیات بر درآمد کشاورزی

۳- مالیات بر درآمد حقوق

۴- مالیات بر درآمد مشاغل

۵- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

۶- مالیات بر درآمد اتفاقی

ب) مالیات بر دارایی

مالیات بر دارایی مالیاتی است که مأخذ تعلق مالیات ثروت مودی، یعنی آنچه که قبلاً بدست آورده است، می باشد. دارایی به اشکال مختلف مأخذ و منبع درآمد مالیاتی است. مالیات بر دارایی، مالیات بر نقل و انتقالات دارایی، مالیات بر سرمایه از نظر شرکت آن در تولید و مالیات بر ازدیاد بهای دارایی که هر یک به نوبه خود درآمد خاصی از نظر مالیه عمومی ایجاد می کند. در اینجا منظور از سرمایه دارایی مولد می باشد که تولید کننده ی درآمد است و از این سرمایه ها پیوسته در طول زمان انواع ثروتها و خدمات به صورت جریان کالا و خدمات جریان می یابد.

می توان بطور مختصر مالیات بر دارایی را به چهار بخش تقسیم نمود:

۱- مالیات سالانه املاک

۲- مالیات بر ارث

۳- مالیات بر درآمد اتفاقی

۴- حق تمبر



مالیات بر سرمایه اغلب به طور استثنایی برداشت می شود و در وضع این نوع مالیات‌ها بیشتر اهداف اجتماعی و سیاسی از نظر تعدیل ثروت و رعایت عدالت اجتماعی مورد نظر می باشد.

پ) مالیات بر مخارج مصرفی

مالیات بر درآمد و مالیات بر دارایی مستقیماً درآمد و دارایی را معیار پرداخت مالیات قرار داده و برداشتهای مالیاتی به طور مستقیم انجام می شود که از نظر تقسیم بندی کلاسیک مالیات های فوق به مالیات های مستقیم مرسوم است. در مقابل مالیات مستقیم مالیات غیر مستقیم قرار دارد که مانند مالیات بر درآمد با سرمایه به طور مستقیم برداشت نمی شود بلکه از طریق ترقی قیمت‌ها به طور غیر مستقیم قدرت خرید، دارندگان درآمد و سرمایه در معرض برداشت مالیاتی قرار می گیرد. هدف مالیات بر مخارج مصرفی در درجه ی اول تهیه درآمد در حدود فعالیت مالی دولت است. ولی در اقتصاد امروز از طریق مالیات بر مخارج مصرفی، مصرف جامعه هدایت و ارضاء می شود. مالیات بر مخارج مصرفی در سیستم های مالیاتی فعلی حجم نسبتاً عظیمی از قدرت خرید ملی را در دسترس مالیه عمومی قرار می دهد. مالیات بر مخارج مصرفی در این مورد به صورت برداشت از مجموع قدرت های خریدی است که به منظور تحصیل مواد مصرفی مضر یا لوکس به جریان می افتد. مالیات فوق اغلب بر مواد اولیه ی مصرفی جامعه تحمیل می شود و در اجرای آن در کنترل مخارج ملی نقش موثری را به عهده دارد.

همین طور برای مالیات بر مخارج مصرفی می توان دسته بندی زیر را به طور خلاصه خاطر نشان کرد:

۱- مالیات بر فرآورده های نفتی

۲- مالیات تولید الکل طبی و صنعتی

۳- مالیات نوشابه های غیر الکلی

۴- مالیات فروش سیگار

۵- مالیات اتومبیل

۶- ۱۵٪ مالیات اتومبیل های داخلی

۷- مالیات فروش خاویار

۸- مالیات ضبط صوت و تصویر

۹- مالیات حق اشتراک تلفن و خدمات بین الملل^۵

^۵ قانون مالیات های مستقیم مصوب سوم اسفند ۱۳۶۶، قانون اصلاح موادی از قانون مالیات های مستقیم مصوب بیست و هفتم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تقسیم بندی دیگری که در مورد مالیات‌ها متداول است و از قدیم وجود داشته و در کلیه کشورها و قوانین مالیاتی موجود است، تقسیم بندی مالیات به مالیات های مستقیم و غیر مستقیم می باشد. مالیات های مستقیم به مالیات هایی گفته می شود که به طور مستقیم بر افراد و خانوارها و بنگاه‌ها وضع می شوند در حالی که مالیات های غیر مستقیم مالیات هایی است که به طور غیر مستقیم بر کالاها و خدمات برقرار می گردند. مستقیم و غیر مستقیم بودن مالیات به پرداخت کننده ی نهایی مالیات مربوط می شود و به روش تشکیلاتی و اداره مالیات بستگی پیدا می کند. مأخذ تعلق مالیات در مالیات های مستقیم درآمد و دارایی است که پرداخت کننده ی مالیات آنرا به طور مستقیم به اداره ی مالیات می پردازد. در حالی که در زمان خرید کالاهای مشمول مالیات به طور غیر مستقیم مالیات منظور شده را پرداخت می کند. به عبارتی در مالیات غیر مستقیم از طریق قیمت‌ها انجام می شود و مودی مالیاتی وضع مجهولی دارد بطوری که نمی توان هویت مالی او را از نظر پرداخت مالیات تشخیص داد (پورمقیم، ۱۳۹۵).

در ادامه و پس از معرفی مفاهیم مربوط به مالیات و بار مالیاتی، به بررسی مفهوم نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی پرداخته می‌شود. با توجه به این که بیشترین نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی در کشور ایران مربوط به دولت و سیاست‌های اجرایی توسط دولت می‌باشد، در ابتدا به معرفی دیدگاه‌ها در رابطه با ضرورت دخالت دولت در اقتصاد پرداخته شده و سپس مفاهیم مربوط به نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی مطرح می‌شود.

نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی دولت

از دیرباز تاکنون در ادبیات اقتصاد در باره دخالت در فعالیت‌های اقتصادی، دیدگاه‌ها و نظریه‌های متفاوتی وجود داشته است. بحث دخالت و حضور در اقتصاد، به همراه تدوین علم اقتصاد و مکتب اقتصاد کلاسیک به شکل جدی مطرح شد.

از آن زمان (۱۷۷۶ میلادی) تا دهه ۱۹۳۰ میلادی، دو نگرش حدی از حضور دولت در اقتصاد وجود داشته است، یکی نگرش دولت حداقلی است که منشأ آن فیزیوکرات و کلاسیک است و دیگری دولت حداکثری است که از سوی مکتب مقابل کلاسیک‌ها یعنی مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها حمایت می‌شود.

از دهه ۱۹۳۰ به بعد، نقش دولت در اقتصاد مختلط مطرح شد که حالت بینابین دو وضع افراط و تفریط مذکور محسوب می‌شود. تحولات مربوط به بحث دخالت دولت در اقتصاد بین دهه ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۶۰ به نسبت، آرام و هماهنگ با اندیشه کینزی بود. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون تحولات چشمگیری در حوزه دخالت دولت در اقتصاد شکل گرفته است و هنوز هم ادامه دارد (رازینی و همکاران، ۱۳۹۶).

مطالعات مربوط به نقش دولت در اقتصاد را به طور کلی می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد. برخی از مطالعات (دنیل و بارو ۱۹۹۰)^۶ به بررسی رابطه اندازه دولت و رشد اقتصادی پرداخته‌اند و برخی دیگر از این مطالعات (فیشر، لسنینک و المار)^۷ به اثرات نامطلوب سیاست‌گذاری دولت بر روی رشد اقتصادی توجه داشته‌اند.

^۶ Landau, Danieil (1983). Robert J. Barro (1990)

^۷ Fisher (1993). Robert Lensink, Hong Bo and Elmer Sterken (2000)



گروه اول متغیر هزینه‌های دولت به تولید ناخالص داخلی را به عنوان شاخصی از اندازه دولت و مقیاس فعالیت‌های دولت در اقتصاد در نظر گرفته‌اند و گروه دوم انحراف معیار متغیرهای بودجه‌ای نظیر مالیات‌ها و مخارج دولتی را به عنوان شاخصی از بی‌ثباتی فعالیت‌های دولت در اقتصاد بررسی کرده‌اند.

در تقسیم‌بندی دیگری فعالیت‌های دولت را می‌توان به سه گروه نقش بودجه‌ای، تصدی‌های دولت و اختلال‌های ناشی از فعالیت‌های غیر بودجه‌ای تقسیم کرد. دولت مرکز ثقل قدرت، اداره و تنظیم امور مختلف است که برای تحقق اهداف خود، وظایفی را بر عهده می‌گیرد.

اقتصاددانان مهمترین وظایف دولت را در وظایف ذاتی آن شامل امنیت، بهداشت و آموزش می‌دانند. برخی این وظایف را برای دولت کافی ندانسته و برای حفظ تعادل اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد را به دلیل شکست بازار ضروری می‌دانند.

نظریات مکاتب اقتصادی در مورد نقش دولت در اقتصاد

با توجه به مطالب بیان شده در ادامه به نظریات مکاتب اقتصادی در مورد نقش دولت در اقتصاد پرداخته می‌شود.

- مکتب کلاسیک

دکترین کلاسیک‌ها غالباً به نام لیبرالیسم اقتصادی نامیده می‌شود. اساس نظریه کلاسیک‌ها در آزادی شخصی، مالکیت خصوصی، ابتکار فردی، تجارت خصوصی و در نهایت حداقل دخالت دولت خلاصه می‌شود. در این مکتب انتظارات باثبات بوده و نقش ناطمینانی در اقتصاد به حداقل رسیده و نیز قیمت دانش و اطلاعات بسیار ارزان بوده و در اختیار کلیه واحدهای اقتصادی می‌باشد.

از طرفی اقتصاددانان کلاسیک معتقدند اقتصاد در بلندمدت در سطح اشتغال کامل است. به عقیده این گروه رشد اقتصادی تنها در افزایش سطح تکنولوژی (بهره‌وری عوامل تولید) و افزایش جمعیت ایجاد می‌شود و اعتقاد دارند که عوامل خودکار اقتصاد به تنهایی برای رفع نوسان‌های موجود در اقتصاد کافی بوده و ثبات اقتصادی را به ارمغان خواهند آورد.

به طور خلاصه می‌توان گفت این مکتب با تأکید بر شفافیت بازار و مکانیسم قیمت معتقد است در نتیجه رفتار عقلایی واحدهای اقتصادی، اقتصاد در بلندمدت در شرایط رقابت و اشتغال کامل است، با این تجزیه و تحلیل کلاسیک‌ها نه تنها دخالت دولت برای تثبیت اقتصاد را لازم و مطلوب نمی‌دانند بلکه آن را یک مداخله نابجا در بازار و عامل برهم زنده تعادل‌های موجود می‌دانند. این گروه با اعتقاد به پدیده برون‌رانی^۱ (که طی آن هر عمل دولت توسط عکس‌العمل متقابل بخش خصوصی خنثی می‌شود) فعالیت‌های دولت را بی‌اثر دانسته و اعمال سیاست‌های اقتصادی توسط دولت را به شدت تحریم می‌کنند.

¹ Crowding Out



- مکتب کینزی

کینز با مطرح کردن انحصارات در قرن بیستم که جانشین رقابت کامل سرمایه‌داری شده بود و همچنین انعطاف‌ناپذیری دستمزدها به دلیل پیدایش اتحادیه‌های کارگری یا توهم پولی^۲ کارگران شدیداً دخالت دولت در اقتصاد را تأیید می‌کند. از دیدگاه کینزی علاوه بر عوامل اقتصادی مثل انتظارات درباره سطح تقاضا، هزینه‌های انجام شده، عوامل غیراقتصادی مثل امیدها و ترس‌ها بر روی تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی تأثیر دارند که موجب نوسانات و عدم اعتماد و نااطمینانی در جو اقتصادی می‌شوند.

از نظر اقتصاددانان کینزی دخالت دولت در اقتصاد و به کارگیری سیاست‌های اقتصادی در جهت نیل به اهدافی چون رشد اقتصادی موثر است. به اعتقاد این گروه از اقتصاددانان، درحالی که اجرای سیاست‌ها و دخالت دولت در اقتصاد می‌تواند منجر به افزایش در میزان رشد گردد، بر مسئله تثبیت اقتصادی نیز اثر کرده و تعدیل در نوسان‌های اقتصادی را ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر واکنش‌های متغیرهای خودکار اقتصادی در واکنش به نوسان‌های عارض شده در اقتصاد کافی ندانسته و لزوم به کارگیری سیاست‌های فعال پولی، مالی و ارزی را در جهت تعدیل نوسان‌های ایجاد شده در اقتصاد لازم می‌دانند. کینز استدلال می‌کند که اگر دولت به عنوان یک واحد اقتصادی ایفای نقش کند با اجرای سیاست‌های مدیریت شده و متناسب به احتمال خیلی زیاد از بروز عدم تعادل‌ها و بی‌ثباتی‌ها و نااطمینانی‌ها پیش‌گیری خواهد کرد.

- مکتب پولیون

نظریه پول‌گرایان با نظریه کلاسیک‌ها شباهت بسیاری دارد. آنها نیز همانند کلاسیک‌ها با اعتقاد به پدیده اثر جانشینی معتقدند که سیاست مالی یک ابزار تثبیت‌کننده موثر نیست، یعنی هرگونه اقدام دولت در اقتصاد توسط عکس‌العمل بخش خصوصی خنثی شده و تنها سهم اجزای تقاضای کل تغییر می‌کند.

توجه به این نکته اهمیت دارد که پول‌گرایان اجرای سیاست پولی توسط دولت را برای تحت تأثیر قرار دادن متغیرهای اقتصاد کلان موثر می‌دانند. فریدمن که یکی از معروف‌ترین اقتصاددانان این مکتب می‌باشد کارایی سیاست مالی را مشروط به اجرای همزمان سیاست پولی یعنی تغییر مناسب در حجم پول می‌داند. اگر چه این گروه تغییر در نرخ رشد پول را برای مقابله با اثرات کوتاه‌مدت شوکها در اقتصاد موثر می‌دانند ولی موافق اجرای این سیاست نیستند چون معتقدند که نمی‌توان میزان شوک‌ها را به دقت اندازه‌گیری کرد تا سیاست‌های دقیق برای آنها طرح کرد. لذا اجرای سیاست ممکن است خود منبع بروز نوسان و شوک شود. به طور کلی مکتب پولیون نیز مخالف دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی هستند.

- مکتب کلاسیک‌های جدید

² Money illusion



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در اوایل سالهای ۱۹۷۰ پیشرفت‌هایی در اقتصاد جهت فهم بیشتر اثرات سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، تحت عنوان روش انتظارات عقلایی به وجود آمد. از اقتصاددانان این مکتب می‌توان به لوکاس و سارجنت اشاره کرد، این دو با احیاء عقاید مکتب کلاسیک، مکتب کلاسیک‌های جدید را بنا نهادند. در این مکتب فرض می‌شود عوامل اقتصادی با استفاده کارا از اطلاعات و عدم تکرار اشتباهات گذشته خود، انتظارات خود را شکل می‌دهند. از دیدگاه این مکتب افراد نه تنها از تجربه گذشته در شکل‌گیری انتظارات خود استفاده می‌کنند، بلکه از اطلاعات قابل دسترس جاری به بهترین وجه استفاده می‌کنند. طبق نظر این مکتب تنها تغییرات پیش‌بینی نشده سیاست‌ها توسط عاملین اقتصادی بر روی متغیرهای اقتصادی (فقط در کوتاه‌مدت) موثرند.

- مکتب کینزین‌های جدید

مدل‌های نئوکینزی فرض انتظارات عقلایی را قبول دارند ولی فرض شفافیت بازار کلاسیک‌های جدید را رد می‌کنند. از دیدگاه کینزین‌های جدید نوسانات غیرعادی، غیرمعمول و غیرقابل پیش‌بینی می‌باشد و لذا شرایط رقابت ناقص را پذیرفته و معمولاً حالت رقابت انحصاری را بر اقتصاد حاکم می‌دانند. از این رو این مکتب دخالت دولت در اقتصاد را ضروری می‌دانند، اما بر این اساس زمینه‌های نظری متفاوت این مکتب سیاست‌گذاری‌هایی از نوع ساختاری را توصیه می‌کنند؛ یعنی دولت سعی در برطرف کردن زمینه‌های غیررقابتی بوجود آمده داشته باشد و در نتیجه این سیاست‌گذاری‌ها به سمت اشتغال کامل حرکت کند. جمع‌بندی به صورت خلاصه از نظریات مربوط به مکاتب اقتصاد کلان در جدول شماره (۲-۱) آورده شده است.

ضرورت دخالت دولت در اقتصاد

طبق تئوری‌های توسعه اقتصادی، در شرایط فعلی نظام اقتصادی جهانی و به ویژه با توجه به وجود اقتصادهای مسلط در بطن نظام اقتصادی جهان، در صورتی که هدایت تحولات اقتصادی جهان سوم عمدتاً در اختیار قشر محدود و ثروتمند قرار گیرد، الزامات بافت تولیدی جامعه معطوف به تجارت و بخش خدمات شده و ظرفیت‌های تولیدی گسترش لازم را نخواهد یافت. با توجه به این نکات است که به نظر می‌رسد توسعه اقتصادی بدون هدایت موثر دولت امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، دولت باید متولی اصلی هدایت بخش‌های اقتصادی در مسیر مدرن کردن بافت تولیدی و فعالیت‌های آنان باشد (حیدرپور و پورشهبابی، ۱۳۹۵).

در همین راستا، یکی از وظایف اساسی دولت ایجاد کار برای همه برای رسیدن به سطح اشتغال کامل است، که به سرمایه‌گذاری برای ایجاد فرصت‌های شغلی کافی، جهت آماده کردن زمینه‌های لازم، تحول در مبانی علمی - فنی تولید، نیاز است. بنابراین با توجه به جایگاه نیروی انسانی و دولت در فرآیند توسعه اقتصادی می‌توان گفت یکی از عوامل مهم و کلیدی بر سطح اشتغال، اندازه مناسب دولت‌ها می‌باشد.

در یک جمع‌بندی از نظریات مکاتب مختلف مهمترین توجیه دخالت‌های دولت، تلاش در جهت رفع کاستی‌های بازار، ثبات‌سازی و ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری خصوصی و رفع نااطمینانی‌های اقتصادی می‌باشد. در غیر این صورت دخالت‌های دولت بیش از آنکه موجب رفع موانع، اختلالات بازار و بی‌ثباتی‌ها شود، خود با تبدیل به عامل اختلال، فضای ناامنی و بی‌ثباتی را گسترش داده و رشد اقتصادی را پایین نگه خواهد داشت.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بروز اختلالات و نوسانات دائمی در اقتصاد و عملکرد ضعیف و کند تعدیل کننده‌های خودکار (مثل مکانیسم نرخ بهره و قیمت‌ها) مهمترین دلیل دخالت دولت در اقتصاد است. به عبارتی در میان اهداف متعددی که دولت‌ها با دخالت در اقتصاد دنبال می‌کنند شاید تأمین ثبات و رشد اقتصادی از اهمیتی خاص برخوردار باشد.

وظایف کلی دولت

به طور کلی پنج وظیفه مشترک و اساسی برای همه دولت‌ها می‌توان در نظر گرفت:

۱. پی ریزی ساختار قانون

۲. ایجاد فضای سیاست گذاری باثبات، از جمله ثبات اقتصاد کلان

۳. سرمایه‌گذاری در خدمات اساسی اجتماعی و زیر ساخت‌ها

۴. پشتیبانی از گروه‌های آسیب‌پذیر

۵. حفاظت از محیط زیست

در مورد وظیفه دوم دولت یعنی ایجاد فضای سیاست‌گذاری باثبات اقتصاد کلان می‌توان گفت برای ایجاد ثبات در اقتصاد اجرای سیاست‌های دولت لازم است. بدون اجرای سیاست‌های دولت، اقتصاد دستخوش نوسانات فراوانی خواهد شد و ممکن است درگیر دوره‌های طولانی بیکاری و تورم شود، مشکل جدی‌تر زمانی بروز می‌کند که بیکاری و تورم ممکن است همزمان بروز کند. لذا برای ایجاد ثبات و امنیت در اقتصاد سیاست‌های دولت لازم الاجرا است؛ ولی ممکن است اجرای خود این سیاست‌ها مسبب بی‌ثباتی و ناطمینانی شود.

ثبات سیاست‌های اقتصادی دولت پیش‌شرط تأمین توسعه اقتصادی بلندمدت و پایدار است. آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و ثبات سیاست‌های اقتصادی سه بعد اصلی هر نظام سیاسی می‌باشند که شالوده سیاسی مدیریت اقتصاد را تشکیل می‌دهند. از میان این سه عامل (آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و ثبات سیاست‌های اقتصادی) نقش ثبات سیاست‌های اقتصادی دولت در رشد اقتصادی بحث برانگیزتر است. در تعریف یک محیط اقتصاد کلان باثبات، بر پنج شاخص نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ بهره، وضعیت مالی دولت و وضعیت تراز پرداخت‌ها تأکید می‌شود.

در حالی که دخالت دولت در اقتصاد و به کارگیری سیاست‌های اقتصادی می‌تواند منجر به افزایش در میزان رشد گردد، بر مسئله تثبیت اقتصادی نیز اثر کرده و تعدیل در نوسان‌های اقتصادی را ایجاد می‌کند، به عبارت دیگر واکنش‌های متغیرهای خودکار اقتصادی (مثل نرخ بهره، نرخ ارز و قیمت‌ها) در واکنش به نوسان‌های عارض شده کافی نیستند و لزوم به کارگیری سیاست‌های فعال پولی، مالی و ارزی در جهت تعدیل نوسان‌های ایجاد شده در اقتصاد ضروری به نظر می‌رسد (بکر و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵).

¹⁰ Scott R. Baker and Nicholas Bloom and Steven J. Davis



در ادامه به ارائه کلیاتی در مورد سیاست‌های اقتصادی و اهداف به کارگیری آن‌ها پرداخته می‌شود

کلیاتی در مورد سیاست اقتصادی

دولت‌ها برای تأمین هدف‌های خود از جمله رشد و توسعه اقتصادی، افزایش اشتغال، مبارزه با تورم و رفاه جامعه از ابزارها و سیاست‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. استفاده از ابزارهای اقتصادی برای رسیدن به اهداف اقتصادی معین را سیاست اقتصادی می‌گویند. یک سیاست اقتصادی تنها به تصمیم‌گیری سیاسی محدود نمی‌شود و هر سیاست اقتصادی شامل چهار مرحله برنامه-ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت می‌باشد. ثبات اقتصاد کلان که نتیجه سیاست‌های اقتصادی سیاست‌گذاران کشور می‌باشد، در مدیریت کارآمد اقتصادی بخش خصوصی موثر است.

به طور کلی، اقداماتی که در جهت تحقق اهداف اقتصادی اتخاذ می‌شود را سیاست‌های اقتصادی می‌نامند. سیاست‌های اقتصادی معمولاً به دو گروه سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی تقسیم می‌شوند که در ادامه شرح مختصری از هر یک ارائه می‌شود:

سیاست‌های مالی

سیاست‌های مالی به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که توسط مقامات دولت در جهت تأثیر گذاری بر سطح تعادل درآمد ملی برای تحقق اهداف اقتصادی اتخاذ می‌گردد. به طوری که دیده شد، از جمله مهم ترین ابزارهایی که دولت در این رابطه در اختیار دارد می‌توان مخارج عمومی و مالیات‌ها (شامل کلیه انواع مالیات‌ها، گمرک و سایر عوارض) را نام برد. دولت می‌تواند با افزایش سطح مخارج در جهت افزایش درآمد ملی اقدام نماید. اصطلاحاً این سیاست را سیاست مالی انبساطی گویند. از طرف دیگر دولت قادر است از طریق اخذ مالیات‌ها، به صورتی ترمز کننده در فعالیتهای اقتصادی دخالت نماید. این نوع سیاست که منجر به کاهش سطح درآمد ملی خواهد شد را سیاست مالی انقباضی می‌نامند. بدیهی است دولت می‌تواند با استفاده از مجموع ابزارهای یاد شده بر فعالیتهای اقتصادی تأثیر گذارده و آنها را در جهت صحیح هدایت نماید. بودجه متعادل نمونه‌ای از این سیاست است.

چگونگی تأثیر سیاست‌های مالی یعنی استفاده از تغییرات مخارج دولتی و مالیات‌ها را نیز می‌توان بر تعادل کلی اقتصادی از طریق سیستم منحنی‌های IS و LM ملاحظه کرد. دولت از طریق تأثیر بر میزان مصرف ملی براساس مخارج و مالیات‌ها می‌تواند با تغییر میزان پس انداز باعث تغییر مکان منحنی IS شده و در سطح تعادل درآمد ملی در جهت تحقق اهداف اقتصادی تأثیر بگذارد.

سیاست‌های پولی

سیاست‌های پولی به کلیه تدابیر و اقداماتی اطلاق می‌شود که مقامات پولی کشور (مقامات بانک مرکزی) جهت یاری دولت برای تحقق اهداف اقتصادی و خاصه ثبات سطح قیمت‌ها و حفظ ارزش پول اتخاذ می‌کنند.

مقامات پولی نیز برای اتخاذ سیاست‌های پولی، با ابزارهای مختلفی که در اختیار دارند بر میزان عرضه پول تأثیر گذاشته و موجب هدایت فعالیتهای اقتصادی در جوی سالم خواهند شد. مهم ترین ابزارهایی که مقامات پولی کشور در اختیار دارند عبارتند از: حداقل ذخیره قانونی، سیاست بازار باز و تغییر نرخ تنزیل مجدد که در ادامه به شرح مختصر هر یک پرداخته می‌شود.



حداقل ذخیره قانونی: بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در هر کشور طبق قانون موظف هستند بخشی از ذخایر و سپرده‌های خود را نزد بانک مرکزی به ودیعه بگذارند. این قسمت از ذخایر و سپرده‌ها را حداقل ذخیره قانونی می‌نامند. مقامات پولی کشور می‌توانند با تغییر در میزان حداقل ذخیره قانونی بر میزان عرضه پول تأثیر گذاشته و موجب بسط و یا کند شدن فعالیت‌های اقتصادی گردند. چنانچه حداقل ذخیره قانونی کاهش داده شود، مقامات پولی با این عمل در جهت افزایش عرضه پول و اعتبارات اقدام کرده و موجب رونق فعالیت‌های اقتصادی خواهند شد. این سیاست را سیاست پولی انبساطی گویند. بالعکس اگر حداقل ذخیره قانونی افزایش داده شود، آن را سیاست پولی انقباضی نامند.

سیاست بازار باز: بانک مرکزی با اتخاذ این سیاست می‌تواند از طریق خرید یا فروش اوراق بهادار در بازار آزاد بر مقدار عرضه پول و در نتیجه بر فعالیت‌های اقتصادی اثر بگذارد. اگر مقامات پولی کشور اوراق بهادار را خریداری نمایند، با این عمل مقداری پول به اقتصاد کشور وارد کرده اند (سیاست انبساطی) و بالعکس اگر اقدام به فروش این گونه اوراق بهادار نمایند، مقدار پول در جریان را کاهش می‌دهد (سیاست انقباضی). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که مقامات پولی می‌توانند با اتخاذ سیاست بازار باز در جهت افزایش یا کاهش عرضه پول دخالت کرده و با مشارکت با دولت در جهت تحقق اهداف اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی را هدایت کنند.

نرخ تنزیل مجدد: مقامات پولی کشور با تغییر نرخ تنزیل مجدد (نرخ تنزیلی که بانک‌ها اوراق بهادار خود را نزد بانک مرکزی نقد می‌کنند) می‌توانند در حجم عرضه پول تأثیر بگذارند. اگر بانک مرکزی نرخ تنزیل مجدد را کاهش دهد، بدین معنی است که در جهت افزایش عرضه پول اقدام کرده است و بالعکس.

بدین ترتیب نتیجه گیری می‌شود که مقامات پولی می‌توانند از طریق ابزارهایی که در اختیار دارند بر عرضه پول تأثیر گذاشته و با تغییر در سطح درآمد در حال تعادل در تحقق اهداف اقتصادی مشارکت نمایند. تأثیر تغییر در عرضه پول را می‌توان از طریق انتقال منحنی LM به سمت چپ و راست ملاحظه کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت که مقامات دولتی و مقامات پولی می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های هماهنگ مالی و پولی به اهداف اقتصادی جامه‌ی عمل پوشیده و در جهت افزایش سطح زندگی و رفاه مردم اقدام نمایند.

بدیهی است در رابطه با سیاست‌های اقتصادی غیر از بُعد تقاضای کل در جامعه باید به عرضه کل نیز توجه شده و اقداماتی اتخاذ شود تا همزمان عرضه کل نیز حسب مورد تحت کنترل درآید. تصمیمات دولت در مورد افزایش عرضه کل مثلاً از طریق ایجاد تسهیلات مالیاتی و هم چنین تهیه بستر در تحقق اهداف اقتصادی مؤثر واقع شود.



جمع بندی

قبل از اعمال یک سیاست اقتصادی باید هدف اعمال سیاست شفاف باشد. به طور کلی هدف نهایی همه سیاست‌های اقتصادی ارتقای رفاه ملی محسوب می‌شود ولی اغلب اهداف واسطه‌ای که تا رسیدن به هدف نهایی مطرح می‌شوند، مثل افزایش اشتغال، کاهش تورم و رشد اقتصادی بالاتر مدنظر سیاست‌گذاران اقتصادی می‌باشند. در واقع این اهداف واسطه، ابزاری در راه نیل به اهداف بالاتر هستند. رشد مستمر و پایدار مستلزم اجرای سیاست‌های مناسب و پایدار است. تغییر دولت‌ها و سیاست‌گذاران اقتصادی بی‌شک سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی را نیز تغییر خواهد داد و این تغییرات مداوم خود عاملی در گسترش بی‌ثباتی و ناطمینانی در اقتصاد می‌باشد.

در بیان مفهوم ناطمینانی می‌توان گفت، وضعیتی که وقایع آینده و یا احتمال رخ دادن آن‌ها پیش بینی نشده باشد. در دنیای واقعی، اقتصاد پر از ناطمینانی عوامل اقتصادی است که به بروز ریسک و مخاطره در فضا تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی منجر شده و رفتار آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. زمانی که سیاست‌گذار با وضعیت ناطمینانی مواجه می‌شود، در واقع با یک تابع هدف و حداقل یک قید مواجه است. هدف حداکثر کردن مطلوبیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و قید آن تابع توزیع یا تصمیم‌گیری است. در برخی متون اقتصادی برای مدل‌سازی این نوع حداکثر سازی و دستیابی به راه حل از پارادایم بیزین استفاده می‌کنند (حیدر پور و پورشهایی، ۱۳۹۱).

به عبارت دیگر، عدم اطمینان، تغییرات غیر قابل پیش‌بینی در یک متغیر اقتصادی است که چون نمی‌توان این تغییرات را در آینده پیش‌بینی کرد، می‌تواند تأثیر زیادی بر سایر متغیرهای اقتصادی بگذارد.

ناطمینانی، فضایی است که تصمیم‌گیران فعالان اقتصادی اعم از خانوارها، بنگاه‌ها و بخش دولتی در زمینه‌های مختلف با عدم اطمینان همراه است (پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۷). به طور خاص از منظر کلان اقتصادی، این‌که چگونه در یک وضعیت ناطمینان، تصمیم‌بینه از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اتخاذ می‌شود، موضوع بسیاری از مطالعات و تحقیقات را به خود اختصاص داده است. به ویژه اگر قرار باشد آثار مترتب بر آن مشخص شود و به طبع علاوه بر جنبه‌های اقتصادی، اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز در اتخاذ تصمیم درست تر تأثیر می‌گذارد. از این حیث، دو جنبه ادراکی از ناطمینانی وجود دارد؛ یکی بینش واقع‌گرا و دیگری قابلیت پیش‌بینی که هر دو در زمان واکنش در قبال سناریوهای ناطمینانی جلوه می‌کنند (پاین^{۱۱}، ۲۰۱۷).

ثبات اقتصاد کلان از طریق کاهش قابل توجه ناطمینانی و پیشبرد برنامه ریزی بلند مدت کمک شایانی به رشد واقعی اقتصادی می‌نماید. لذا ناطمینانی اقتصادی و بی‌ثباتی اقتصادی مفهوم نزدیکی دارند و در واقع بی‌ثباتی نتیجه ناطمینانی است و هر دو اثرات یکسانی بر متغیرهای اقتصادی از جمله رشد دارند.

ثبات اقتصادی به عنوان یک خصیصه مرکب، خود دربرگیرنده شرایطی چون نرخ تورم پایین، اشتغال کامل و تعادل در تراز پرداخت‌هاست که هر یک از اهداف عمده مداخلات و سیاست‌گذاری‌های دولت محسوب می‌شوند.

¹¹ James E. Payne



منظور از نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی نیز بی‌ثباتی‌ای است که در اثر تغییر سیاست‌های اقتصادی دولت بوجود می‌آید و نه بی‌ثباتی ناشی از تغییر رژیم. این بی‌ثباتی غالباً توسط ضریب پراکندگی شاخص‌های اقتصادی سنجیده می‌شود، مانند ضریب‌های پراکندگی تورم، رشد تولید ناخالص ملی، رشد عرضه پول، بسط اعتبارات داخلی، کسری بودجه دولت.

منابع و ماخذ

۱. پور مقیم، سید جواد، (۱۳۹۵)، اقتصاد بخش عمومی، چاپ دوم، تهران، نشرنی.
۲. حیدرپور، افشین و پورشهایی، فرشید (۱۳۹۵) "تبیین اثر نااطمینانی اقتصادی بر متغیرهای کلان اقتصاد (مطالعه موردی ایران)"، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۱۹، شماره ۷۱، پاییز ۱۳۹۵.
۳. حسنی، محسن و شفیعی، سعیده (۱۳۹۴) "تخمین نرخ موثر مالیاتی در پایه‌های مشاغل و اشخص حقوقی"، پژوهشنامه مالیات، دوره جدید، شماره ۸، مسلسل ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.
۴. رجبی، مصطفی، رنجبر، همایون، جعفری طادی، مولود، (۱۳۹۶)، تحلیل اثر مالیات بر رشد اقتصادی ایران، ارائه شده در اولین همایش ملی اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، ص ص ۴۱-۲۵.
۵. رازینی، علی، سوری، امیررضا و تشکینی، احمد (۱۳۹۶) " رابطه بین بیکاری و اندازه دولت"، پژوهش‌های اقتصادی، مقاله ۳، دوره ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۵-۵۷.
۶. رضایی، افسانه و فرخی بالاجاده، حشمت اله (۱۳۹۷) "بررسی رابطه نااطمینانی سیاست‌های مالی با رشد اقتصادی در ایران"، دومین کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی.
۷. رضایی، افسانه (۱۳۹۶) "بررسی رابطه نااطمینانی سیاست‌های مالی با اشتغال در ایران با رویکرد اقتصاد مقاومتی"، کنفرانس بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۸. محمدی، داوود، (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی مالیات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، مجله اقتصادی، شماره ۱۹، ص ص ۱۱۸-۹۰.
۹. یزدانی، مهدی و پیرپور، حامد (۱۳۹۶) "ارزیابی اثر نااطمینانی نرخ ارز بر تامین مالی بنگاه‌ها و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران"، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، دوره: ۱۷، شماره: ۶۷.

1. Baker, S. R., Bloom, N., Canes-Wrone, B., Davis, Rodden, J., (2014). "Why has US policy uncertainty risen since ۱۹۶۰?", American Economic Review, Papers and Proceedings ۵/۱۰۴, .۶۰-۵۶.
2. Baker, S. R., Bloom, N., Davis, S.J., (2016). "Measuring Economic Policy Uncertainty". Quarterly Journal of Economics 131 (4), 1593-1636.
3. Chen, Y., Chen, D., Wang, W., & Zheng, D., (2018). Political uncertainty and firms' information environment: evidence from china. Journal of Accounting & Public Policy, 37(1), 39-64



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

4. Chen, Y., Chen, D., Wang, W., & Zheng, D. (2018). Political uncertainty and firms' information environment: evidence from china. *Journal of Accounting & Public Policy*, ۳۷(۱), ۶۴-۳۹.
5. Colombo, V., (2013). " Economic policy uncertainty in the US: Does it matter for the Euro area?", *Economics Letters* 121, 39-42.